



# بهشت آرمیده در دامان گلستان خوانسار

کانسار، کانیسار، خنسنار، خونسار و اکنون می‌ریزد، پل ساسان یا (ساسون) که بر روی رودخانه خوانسار بسته شده، از پلهای باستانی است. تیدچان دارای چندین کیوترخانه است و سه واحد آسیاب آبی دارد و کوه هیکل که در آن عبادتگاه زرتشتیان بوده در ضلع شمالی روستای تیدچان است، در سوی دیگر جاده و نزدیک به تیدچان روستای(قودجان) قرار دارد در برخی منابع به صورت((قورجان)) آمده است.



**اگر در اردیبهشت ماه به خوانسار رفته باشیم فصل دیدن لاله‌های سرنگون دامنه(گلستان کوه) است. کوهی که خوانسار در دامنه آن آرمیده است و گلستان کوه گلستان کوه محل رویش گیاه(گزانگبین) نیز هست که از گلهای آن برای ساختن نوعی گژ به نام(گزانگبین) استفاده می‌کنند که نوعی کون وحشی است**

است.برای وارد شدن به شهر خوانسار باید از کنار روستای (بیدهند) گذر کنیم آنجا یک مجسمه شیر سنگی وجود دارد که در قدیم بر روی مزار دلاورانی که در جنگ‌ها کشته می‌شدند می‌گذاشتند. حال وارد بلوار ورودی شهر خوانسار می‌شویم سمت راست ما باغ ها و درختان تناور گردو خود نمایی می‌کنند و در پشتست این درختان انبوه رودخانه خوانسار است، اگر چه هر ساله تعداد زیادی از این درختان قطع می‌شوند و به جای آنها ویلاها و ساختمان‌های مجلل ساخته می‌شود.حسینیه دوره در خیابانی که از این مسیر منشعب می‌شود قرار دارد و از قدمتی زیاد برخوردار است. حال اگر مسیر مستقیم را ادامه دهیم به میدان امام خمینی می‌رسیم. پس از گذری چند به جایی می‌رسیم که درختان کهن و تناور از بالا چنان به هم نزدیک شده‌اند که یک(توئل سبز) را ساخته‌اند و در این رهگذر در آن طرف رودخانه (خانه حبیبی‌ها) آشکار است. خانه‌ای در دو اشکوب با تیرهای چوبین و پنجره‌های مشبک چوبین با سر تدرودی با شکوه که امروزه به (حسینیه حبیبی‌ها) تبدیل شده و همه ساله ماه محرم در آن عزاداری شهادت سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام و یاران باوقایش برگزار می‌شود.

صفر بسیار معروف و مشهور است. در روستای قودچان سنگ قبری به خط پهلوی وجود دارد که حکایت از کهن بودن آن است و نیز دو عدد سنگ قبر تعمیر شده و چشمه‌ای هم درون آن می‌جوشد در محل سرچشمه آسیابی آبی هنوز دایر است. در اطراف میدان سپاه و در حدود اداره پست خوانسار(مسجد جامع خوانسار) معروف به(مسجد چهارراه)، قرار دارد

که در عهد صفویه بازسازی شده است. این مسجد با مساحتی حدودسه هزارمترمربع و گنجبری‌های بسیار نفیس آن گنبد ندارد و تنها دارای یک گلدسته کوچک سه متری است اثر تاریخی مسجد دری چوبی است که درب شمالی مسجد است و منبت کاری ظریف و پر ارزشی دارد. محراب آن از جمله صنایع هنری بسیار ظریف است. در اطراف میدان سپاه و در خیابان سیزده محرم که از میدان در جهت جنوب منشعب می‌شود و سرایشیی است؛ و در محله(رتیسان)، خانه قدیمی(ابهریها) قرار دارد. این خانه در زمان قاجار توسط(آیت‌الله سید محمدباقر ابهری)، بنا شده‌است و در نقاشی یکی از اتاق‌ها در جبهه شمالی قطعه شعری نوشته شده که به حساب جمل تاریخ(۱۲۷۸هجری قمری) را نشان می‌دهد. مساحت بنا با حیاط مرکزی ۸۰۰متر مربع است که در دو اشکویه ساخته شده در تاریخ دهم خردادماه ۱۲۸۲ خورشیدی به شماره ۹۰۵۲ ثبت ملی شده است.

قبل از میدان سپاه و در خیابان آیت‌الله خوانساری(استان امام‌زاده سیدمحمدابن علیقتی) و موزه مردم‌شناسی خوانسار قرار دارد. آرامگاه (بابا ترک) نیز در این شهر گنبدی هرمی شکل ۱۲ ضلعی دارد و قدمت آن به عهد صفویه می‌رسد. این مکان دارای آب انبار و سردابه‌های قدیمی و نام واقعی آن(سیدمحمود)است.

اگر در اردیبهشت ماه به خوانسار رفته باشیم فصل دیدن لاله‌های سرنگون دامنه(گلستان کوه) است. کوهی که خوانسار در دامنه آن آرمیده است و گلستان کوه محل رویش گیاه(گزانگبین) نیز هست که از گلهای آن برای ساختن نوعی گژ به نام(گزانگبین)استفاده می‌کنندکه نوعی کون‌وحشی است و گلها و پوشش گیاهی دامنه گلستان کوه محلی بسیار مناسب برای زنبور داری و تولید عسل است و کولونی‌های عسل در این دامنه فراوانند و (عسل و گز) از سوغات مهم خوانسار هستند و نیز از باغات انبوه آن سوغات(برگه زردآلود و برگه هلو و لواشک و گردو…) حاصل می‌شود. هنر منبت کاری و ساخت وسایل چوبی در خوانسار از گذشته‌های دور تاکنون بسیار معروف و یکی دیگر از تحفه و سوغاتی‌های این دیار هنرپرور را تشکیل می‌دهد.

هنر قالی‌بافی نیز در این شهرستان رواج دارد و قالی‌های آن از(نوع ویسی یا نقشه شاه عباسی) است. گویش یا زبان خوانساری از زبان‌های ایرانی مرکزی و شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی غربی شمالی و بالاخره شاخه‌ای از (زبان‌های هند و اروپایی) است، سازمان یونسکو به دلیل کاهش شدید گویش‌وران این زبان به دلیل مهاجرت از خوانسار یا نفوذ رسانه‌ها(آن را از جمله زبان‌های در حال خطر) اعلام کرده است.

**عزیزالله‌سمعی**



«کرفتو» در زبان کردی به معنی غار آفتاب است؛ بزرگترین غار دست‌کنندایران، با ۷۵۰متر طول اکتشاف‌شده و تعداد زیادی دهلیزهای کشف‌نشده در استان کردستان بین سقز و دیوان‌دره قرار دارد. خود غار این طور که زمین‌شناسان می‌گویند متعلق به دوره‌های میانی حیات زمین است که بعد از عقب رفتن آب‌ها، از زیر دریا بیرون آمده و تحقیقات نشان می‌دهد که در دوره پیش از تاریخ، محل سکونت انسان‌های اولیه بوده است.

اگر برای دیدن دست‌نگارهای بشر اولیه همچان‌زده می‌شوید لازم نیست تا اسپانیا و فرانسه بروید؛ غار کرفتو تعدادی از این نگاره‌های باستانی را به صورت حجاری روی دیوارهای خود دارد؛ نقش‌هایی از گوزن و حیوان‌های ناشناخته‌دیگر.

باستان‌شناسان می‌گویند این غار در دوره‌ای از تاریخ ایران استفاده‌ای به عنوان معبد داشته است.میتراپرستان که قبل از سلطه حکومت زرتشتی بر سراسر کشور، آزادانه در فلات ایران زندگی می‌کردند، غار کرفتو را به عنوان یکی از عبادتگاه‌های خودشان انتخاب کرده بودند. بعدها وقتی دین زرتشت در سایه حکومت هخامنشی گسترش پیدا کرد، پیروان میترا که مورد قبول نبودند، برای حفظ معبدشان از گزند و حمله، آنها را در پشت سنگچین‌های منظمی پنهان کردند تا حفظش کنند.در دوره‌های بعدی، این غار موارد استفاده دیگری هم پیدا کرد. ساخت «گور دخمه» که شکل رایج برای دفن مردگان در دوره‌های هخامنشی بوده‌است، غار کرفتو را به گورستان تبدیل کرد؛ جایی که در آن سالن‌های مختلف به عنوان پیشخوان، نمازخانه و اتاقی که اجساد را در آن قرار داده بودند وجود داشته است.در سال‌های سلسله سلوکیان که اصالتاً یونانی‌تبار بودند، غار کرفتو همچنان به‌صورت یک مقبره باقی مانده است. در ورودی یکی از اتاق‌های این غار که در طبقه سوم آن قرار دارد، نوشته‌ای به زبان یونانی روی سنگ کنده شده که می‌گوید: «در این مکان هر اکلیس خفته است؛ نشانه‌ای از اینکه از گور دخمه‌ها حتی دوره سلوکیان نیز استفاده می‌شد.

این احتمال وجود دارد که غار در دوره ساسانیان هم همچنان به همان صورت گور دخمه مورد استفاده بوده است.بعد از ورود اعراب به ایران، موارد استفاده غار آفتاب باز هم تنوع بیشتری یافت. این بار نه به‌عنوان زیارت‌گاه یا مقبره بلکه محلی برای زندگی انسان‌ها؛ جایی که احتمالاً در سده چهارم هجری هنوز هم انسان‌ها با حیوانات اهلی و گله‌های بز و گوسفندشان در آن زندگی می‌کردند یا برای در امان ماندن از بلاهای طبیعی به آن پناه می‌بردند. در سنگ‌های سازنده سالن‌های بزرگ غار هنوز هم کنده‌کاری‌هایی را که برای بستن مهار حیوانات از آنها استفاده شده می‌توان دید.

غار کرفتو اولین‌بار توسط یک باستان‌شناس روس تبار مورد بررسی سطحی قرار گرفت. دست‌نوشته او بر سنگ یکی از دیوارهای غار نشان‌دهنده زمان حضور او در کرفتو است. غار کرفتو در سال ۱۸۱۸ میلادی توسط سر ارابرت کریورتر» بازدید و کتیبه آن خوانده شد. در سال ۱۸۳۸ میلادی (هنری اولینسون» از غار بازدید کرد و آنچه را به وسیله کریورتر از کتیبه خوانده شده بود، اصلاح کرد. ۱۹۶۳ دوباره گدار یک باستان‌شناس خارجی به کرفتو افتاد، سر «اورل اشتین» به همراه یک دستیار ایرانی تلاش کردند نقشه غار را تهیه کنند و به موفقیت‌هایی هم دست یافتند؛ هرچند نقشه‌ای که توسط آنها طراحی شده، کامل نیست.

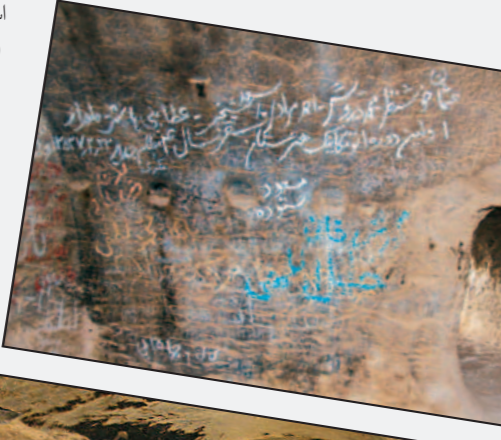
دست‌نوشته و طرح‌های مختلفی روی سنگ‌های غار کرفتو وجود دارد که بعد از گذشت زمان ارزش



تاریخی پیدا کرده‌است. احتمالاً یکی از انگیزه‌های مردمی که این روزها با سنگ و سوهان و انواع و اقسام رنگ به جان بافت طبیعی و دست‌ساز غار می‌افتند تا روی آن یادگاری‌هایی از حضورشان در این محوطه باستانی بگذارند همین حس جاودان شده است! یکی از این دست‌نوشته‌ها که ارزش تاریخی پیدا کرده، یادگاری چند نفر از بازدیدکنندگان غار است که آن‌گونه که خود نگاشته‌اند در «سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی» به این غار رفته بودند و نوشته‌شان هنوز هم روی سنگ‌های این غار داده اند!

**حتی تالارهایی که دسترسی به آن‌ها دشوار است وگاهی باید راهروهای آن را خمیده و روی زانوهای طی کرد هم از قلم یادگاری‌نویسان در امان نبوده است؛ از دوستانی که دو نفره با هم به غار آمده‌اند گرفته تا اردوهای مدرسه‌ای، مورد عنایت قرار داده اند!**

غار توی چشم می‌زند.علاوه بر قسمت‌های «دست‌کن» غار که طی سال‌ها مردمان دوره‌های مختلف ایران از آن استفاده‌های متفاوت کرده‌اند، غار آفتاب ساکنان دیگری هم دارد. بعد از گذشتن از یکی از دالان‌های این غار، تازه دهلیزها و تالارهای طبیعی آن آغاز می‌شود که سقفشان از



# غار آفتاب، ارثیه‌بلا تکلیف تمدن ایران



جنس آهک است و کفشان به عمق بیش از دو متر تماماً از مدفوع خفاش‌های ساکن غار پوشیده شده است.

حتی این تالارها که دسترسی به آن‌ها دشوار است، حضور در آن‌ها نفس کشیدن را سخت می‌کند و گاهی آن یادگاری‌هایی از حضورشان در این محوطه باستانی بگذارند همین حس جاودان شده است! یکی از این دست‌نوشته‌ها که ارزش تاریخی پیدا کرده، یادگاری چند نفر از بازدیدکنندگان غار است که آن‌گونه که خود نگاشته‌اند در «سال ۲۵۲۷ شاهنشاهی» به این غار رفته بودند و نوشته‌شان هنوز هم روی سنگ‌های این غار داده اند!

برق‌کشی در ۷۰متر اولیه غار انجام شده، اما لامپ‌های زرد و نامناسب با کج‌سلیقگی در غار کار گذاشته شده‌اند. نور آنها در برخی مواقع به دلیل گرمای زیادی که ایجاد می‌کند به بدنه غار آسیب زده و گاهی انرژی لازم را برای رشد قارچ و جلبک‌هایی که به خرابی بافت غار می‌انجامد، فراهم کرده است.

بعد از آخرین تالاری که با نور این لامپ‌ها روشن شده، غار همچنان ادامه دارد، اما اکتشاف در آن انجام نشده؛ چراکه دسترسی به این قسمت غار بسیار سخت‌تر است و به تجهیزات و صرف هزینه نیاز دارد.

برای ورود به این غار باید بلیط بسیار ارزان‌قیمتی تهیه‌شود و در اغلب مواقع بازدیدکننده‌ها راهنمایی ندارند که برایشان توضیح بدهد ارزش کرفتو چیست و باید مراقب باشند که بیش از این به غار آسیب وارد نشود.

میراث فرهنگی منطقه «زیویه» در تلاش است تا هزینه‌های مربوط به نگهداری و بهبود وضعیت غار را فراهم کند. تلاش برای انجام اکتشاف‌های جدید در غار، تهیه نقشه غار و آماده کردن زیرساخت‌ها برای معرفی این غار به گردشگران و علاقه‌مندان، در جریان است؛ با این حال، برخی آسیب‌های جبران‌ناپذیر هم به این اثر باستانی وارد شده که پول نمی‌تواند آن‌ها را جبران کند.

**فاطمه کریمخان/ایسنا**

